

آمدید برای اینکه چند صباحی قدرت را دست داشته باشید جمله ای زیبا از خود ابداع کردید و آن این بود: {عدالت از اعتدال می گذرد} و شعارتان شد دولت اعتدال. آقای دولت اعتدال! اعتدال تنها وسیله تحقق عدالت است. انتساب دولت به اعتدال تنها یک کج فهمی از مفهوم عدالت است. این عدالت است که به طور مستقل باید محقق شود مگر نه که اعتدال تحقق یافتنی به آن صورت ندارد چرا که این هدف است که باید محقق شود نه ابزار. آیا فکر نمی کنید که باید دولتتان به عدالت مزین می شد؟ به اولین هدف دولت اسلامی؟ آقای روحانی! درست است که باید برای رسیدن به عدالت که یک مفهوم بلند عرفانی و سیاسی در ادبیات دین اسلام است باید از ابزار آن استفاده کرد ولی نه اینکه ابزار آن را آنقدر بر خودش ترجیح دهیم که تمسک به اعتدال یک مسئله مستقل از شعار عدالت محوری بشود.

میدانم شاید به این مسئله واقف بودید که ملت به واژه عدالت به واسطه مشکلات اقتصادی که اخیراً در اولین دولتی که بعد از انقلاب شعار عدالت محوری را علم کرد ظهور پیدا کرد حساس شده اند برای همین اعتدال را مقدم بر عدالت توصیف کردید اما باید بدانید نسبت نخ به لباس (جنس لباس) مانند عدالت به اعتدال است که جنس عدالت را تشکیل می دهد اگر نمی فهمید آنچه می گویم به زبانی ساده تر باید بگویم دوری از افراط و تفریط (اعتدال) ماهیت و جنس عدالت را تشکیل میدهد نه مقدمه آن را. اساساً عدالت بدون اعتدال شکل نمی گیرد ولی با این حال اعتدال ابزار و جنس عدالت است و اگر بیش از حد بر آن تأکید شود یک انحراف عمیق در تفکر عملی سیاستمداران رخ خواهد داد ، یک ابزار گرایی یا ماهیت گرایی متوقف کننده البته ابزار و جنس مهم است اما نمیشود نخ را به جای لباس استفاده کرد . تا انگیزه دوخت لباس نباشد نخ به چه کار می آید؟

جناب رئیس جمهور! نمیدانید که در جنس اندیشه امام راحل بود که همه درگیری ها و نزاع های بشری به خاطر تفاوت در بینشهای توحیدی و شناختهای گوناگون این رکن رکن اصول دین است؟ نمی دانید که ایشان معتقد بود که اعتقاد به یک دیدگاه صحیح و کامل توحیدی ضامن وحدت جوامع بشری و صلح جهانی است . یا نه ، فقط هر وقت به نفعتان بود دم از امام میزنید بدون اینکه به بینشش واقف باشید؟ من و شما می دانیم که عدالت در سطح بین المللی تنها ضامن صلح بین المللی است. پس آیا عدالت همان توحید نیست ، البته در سطح

بین المللی؟ یعنی همه نوع بشر در سایه اعتقاد راسخ به توحید حقیقی، به یک نظم فکری و عملی در همه سطوح و وجوه زندگی اجتماعی که حاصلش یک آرامش درونی (۱- حاصل از معنویت ذاتی) برسند و نهایتاً به کمال. این تفصیل تفسیر امیرالمومنین از عدالت است. حال آیا شما تضمین می کنید که هر کس مقدمتاً اعتدال را در جامعه به کار گیرد و به آن چنگ بزند توحید و وحدانیت را در جامعه پیاده می کند و لزوماً آرامش ذاتی و معنوی به جامعه تزریق خواهد کرد؟ آن هم به اعتدال شما؟

این ها را گفتیم اما باید گفت آخر آن اعتدالتان هم با یک کوله بینی سخیف همراه است. اگر نظام اسلامی بخواهد به اعتدال شما که کابینتان را با بالای چهل درصد کار گزار (که همه شان از تیم حزبی خودتان اند) و زیر بیست و پنج درصد اصولگرا تعریف میکند متوسل بشود باید آزروری تشکیل یک دولت اسلامی توسط شما را فراموش کند.

جناب دولت اعتدال! گفته بودید دولت من معتدل و فرا جناحی خواهد بود و سهم همه دسته های سیاسی در آن مساوی خواهد بود اولاً چرا دسته هایی که اعتقادی به بومی سازی مدیریت در کشور ندارند باید از لحاظ قدرت سهم یکسان با بقیه در دولتتان داشته باشند؟ اصلاً چرا باید سهم داشته باشند؟ این مسئله سهم مساوی چه مفهومی دارد؟ دوماً همین را هم عملی نکردید. پیاده سازی اعتدالی که اصولگرایان کمترین سهم را در آن دارند و کار گزاران بیشترین را در آن، تنها یک عمل منافقانه است، آقای رئیس جمهور! سوماً در پهنه سیاسی کشور اصلاح طلبان به خاطر مشی به شدت افراطی و مخربانه خود از لحاظ دیدگاه های سیاسی چندان تفاوتی با مشی کار گزاریتان ندارند. اصول گرایانی را هم که آورده اید آن قدر از اصول انقلاب به خاطر رفتار های مصلحت جوینانه و صلح گرایانه با شما و امثال شما عدول کرده اند که حتی حداقل های اصولگرایی را هم دیگر از دست داده و همانند خودتان شده اند. مگر نه که جای امثال حداد و جلیلی در دواتان دقیقاً کجاست؟

همه اینها به کنار جناب روحانی! صندلی نیروهای مردمی که هیچ وابستگی سیاسی به هیچ دسته ای ندارند در اطراف کجاست؟ سمت راستان؟ سمت چپتان؟ مقابلتان؟ این ها که یا همه شان از همکیشان خودتان اند یا اینکه همکیش خودتان کرده ایدشان!